

عنوان:

نوآوری در نحو

مؤلف:

بهزاد ساسانی اسکویی

۱۳۹۳

سرشناسه : ساسانی اسکویی، بهزاد، ۱۳۵۸ -
 عنوان و نام پدیدآور : نوآوری در نحو / نویسنده بهزاد ساسانی اسکویی.
 مشخصات نشر : تبریز: انتشارات نباتی، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری : ۱۷۲ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۸۱-۴۶-۸
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : زبان عربی — نحو
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۳ ن ۲۹ س ۱۵۱/ PJ۶
 رده بندی دیویی : ۴۹۲/۷۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۱۷۰۱۶



عنوان : نوآوری در نحو
 مؤلف : بهزاد ساسانی
 قطع : وزیری
 ناشر : نباتی
 تعداد صفحه : ۱۷۲
 چاپ اول : ۱۳۹۳
 تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
 قیمت : ۱۰۰۰۰۰ ریال
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۸۱-۴۶-۸
 مرکز فروش : تبریز- مابین سه راه طالقانی و تربیت - مجتمع تجاری استاد شهریار زیرزمین - پلاک ۴۶ -
 تلفن : ۳۵۵۴۷۵۱۰

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱۱	مقدمه
۱۹	۱. علم نحو، عربی محض است یا اقتباسی؟
۲۴	۲. بازتاب منطق یونان بر نحو عربی
۳۰	۱-۲. تأثیر در شکل و موضوع
۳۳	۳. جنبه‌های تأثیر فرهنگ یونانی بر ادبیات عرب
۳۳	۱-۳. ورود الفاظ یونانی به زبان عربی
۳۳	۲-۳. نقل داستان‌های یونانی به زبان عربی
۳۴	۳-۳. حکمت
۳۵	۴. ارتباط منطق با زبان و لفظ
۳۷	۵. قیاس و پیشینه‌ی قیاس در نحو عربی
۳۷	۱-۵. معنای لغوی قیاس
۳۷	۲-۵. معنای اصطلاحی قیاس
۳۸	۳-۵. ارکان قیاس
۴۱	۶. پیشگامان عرصه‌ی قیاس در نحو عربی
۴۴	۷. جایگاه تأثیرگذاری قیاس و منطق بر نحو عربی و نمونه‌هایی از آن
۴۸	۸. علت نحوی و نظام تعلیل

- ۵۱ ۱-۸. علل تعلیمی
- ۵۲ ۲-۸. علل قیاسی
- ۵۲ ۳-۸. علل جدلی
- ۵۴ ۹. ضرورت بازنگری و تدوین مجدد مباحث نحوی
- ۶۰ ۱۰. مصادیق نو اندیشی در تاریخ نحو عربی
- ۶۱ ۱-۱۰. ابن مضاء قرطبی
- ۶۴ ۱-۱۰. کتاب «د علی النحاة» وی
- ۶۵ ۱-۱-۱-۱۰. عامل
- ۶۹ ۲-۱-۱-۱۰. تقدیر عوامل محذوفه
- ۷۱ ۳-۱-۱-۱۰. تقدیر گرفتن معلاق جار و مجرور
- ۷۲ ۴-۱-۱-۱۰. قیاس
- ۷۴ ۲-۱۰. ابراهیم مصطفی
- ۷۶ ۱-۲-۱۰. کتاب «إحياء النحو» او
- ۷۸ ۱-۱-۲-۱۰. عطف و توكید، در باب توابع
- ۸۱ ۲-۱-۲-۱۰. فتحه در علامت‌های إعراب
- ۸۲ ۳-۱-۲-۱۰. علامت‌های فرعی إعراب
- ۸۳ ۳-۱۰. شوقی ضیف
- ۸۵ ۱-۳-۱۰. کتاب «تجدیلان نحو» او
- ۸۹ ۱-۱-۳-۱۰. کان و أخوات آن
- ۹۵ ۲-۱-۳-۱۰. کاد و أخوات آن

- ۱۰-۳-۱-۳. ظنّ و أخوات آن ۹۸
- ۱۰-۳-۱-۴. أعلم و أرى ۱۰۰
- ۱۰-۳-۱-۵. ما، لا، لات، که عملی شبیه به عمل لیس دارند ۱۰۱
- ۱۰-۴. مهدی مخزومی ۱۰۴
- ۱۰-۴-۱. منهج علمی او ۱۰۶
- ۱۰-۴-۲. کتاب‌های نحوی از ۱۰۷
- ۱۰-۴-۲-۱. جمله‌ی فعلیه و اسمیه ۱۰۹
- ۱۰-۴-۲-۲. جمله‌ی فعلیه و اسمیه از حیث تقسیم بندی جمله ۱۱۲
- ۱۰-۴-۲-۳. تقدیم فاعل بر فعل ۱۱۵
- ۱۰-۴-۲-۴. نصب فعل با (إِذْ) ۱۱۶
۱۱. اهم آراء و نظرات نوگرایان در نحو عربی ۱۱۸
- ۱۱-۱. عال دوّم و سوّم ۱۱۹
- ۱۱-۲. تمرین‌های غیرعملی ۱۲۲
- ۱۱-۳. تقدیر خبر ۱۲۴
- ۱۱-۴. تقدیر (أن) ۱۲۷
- ۱۱-۵. نصب دادن برخلاف قاعده ۱۳۲
- ۱۱-۵-۱. خبر، آن گاه که ظرف واقع شود ۱۳۳
- ۱۱-۵-۲. مفعول معه ۱۳۴
- ۱۱-۵-۳. فعل مضارع مقترن به (فاء) یا (واو) و یا مسبوقات به نفی یا طلب ۱۳۶
- ۱۱-۵-۴. أفعال تعجّب ۱۳۶

۱۳۸	۱۱-۶. فاعل و نائب فاعل
۱۴۰	۱۱-۶-۱. رأی ابراهیم مصطفی
۱۴۰	۱۱-۶-۲. رأی دکتر مخزومی
۱۴۳	۱۱-۷. تنازع در عمل
۱۴۴	۱۱-۷-۱. رأی شوقی ضیف
۱۴۶	۱۱-۷-۲. رأی دکتر مخزومی
۱۴۸	۱۱-۸. کدام یک از دو عامل در معمول عمل می‌کند
۱۵۰	۱۱-۸-۱. رأی ابن مضاء قرطبی
۱۵۱	۱۱-۸-۲. رأی شوقی ضیف
۱۵۲	۱۱-۸-۳. رأی دکتر مخزومی
۱۵۳	۱۱-۹. اشتغال
۱۵۷	۱۱-۹-۱. رأی ابن مضاء قرطبی
۱۵۸	۱۱-۹-۲. رأی شوقی ضیف
۱۵۸	۱۱-۹-۳. رأی دکتر مخزومی
۱۶۱	نتایج و پیشنهادات

فهرست منابع

۱۶۹	الف) فارسی
۱۷۰	ب) عربی
۱۷۲	ج) مجلات و مقالات

بعد از این که نحو پایه گذاری شد، توجه زیادی از سوی برخی از بزرگان به این علم معطوف شد، سپس شمار نحویان بیشتر گشته و به دلیل وجود تعدادی از شخصیت‌ها و جلوه‌گر شدن عقاید مختلف در کتاب‌های متعدد و اعمال سلیقه‌های شخصی؛ از جمله ایجاد برخی اصول نحوی، فدا کردن معنی به ظواهر، استفاده از شواهد شعری جاهلی به جای آیات قرآن و احادیث، و سرانجام وارد کردن نظریه‌های فلسفی و منطقی به آن، به تدریج انحراف این علم از مسیر اصلی‌اش را سبب شد. مکاتب نحوی؛ از جمله مکتب بصره، کوفه، بغداد، به ظواهر پیوست که هر کدام در اسلوب مباحث نحوی، شیوه‌های استنباط و تعداد شواهد عربی و غیره، راه و روش خاصی را در پیش گرفتند. هر یک از این مکاتب، برای رویارو شدن با یکدیگر و به خاطر تعصبات سرزمینی و افتخار به قواعد نحویشان و به منظور دستیابی به عزت و احترام در نزد مردم، هم‌چنین رسیدن به پاداش و تشویق‌های خلفا، دست به ابداع و اختراع اصول و قواعد نحوی جدیدی زدند. هر قاعده‌ی نحوی را با علتی منطقی و تأثیر یافته از دانش‌های عقلی بیان نمودند، که بارزترین آنها مکتب بصره بود که اساس نحو خویش را بر پایه‌ی قیاس و تعلیل بنیان نهاد و قیاس را به عنوان یک قاعده‌ی کلی و فراگیر در این علم به شمار آورد. این تعصبات و مفاخرات بین آنها شدت یافت، بطوری که باعث بروز اختلافاتی بین همدیگر شد. این گونه بود که این علم در مسیر انحرافی وارد شد و مباحث فلسفی و منطقی به آن راه یافت، که بعدها قوانین عربی نیز در قالب منطق

یونان در آمده و بر قاعده و روش آن فرهنگ وضع گردید. تأثیرات آن منطق در زبان عربی، در شکل و موضوع تجلدی یافت، بطوری که الفاظ یونانی به زبان عربی وارد شد و داستان‌های یونانی به این زبان نقل گردید و در عصر عباسی دوم نیز، فرهنگ ترجمه رونق یافته و بسیاری از کتب یونانی به عربی ترجمه شد. رومیان در بین عرب‌ها زندگی می‌کردند که عرب‌ها نیز از آنان، آنچه برایشان آسان بود تقلید و اقتباس نمودند، البته نه از طریق آموزش منظم، بلکه از راه مشاهده و رفتار. از آنجاست که بعضی‌ها بحث اقتباسی بودن علم نحو را مطرح و در مقابل، عده‌ای دیگر آن را انکار کرده و آن را عربی محض می‌دانند.

کتاب‌هایی همچون «الأصول» ابن سراج، «الإيضاح فی علل النحو» ابوالقاسم زجاجی، «الخصائص» ابوالفتح ابن جنی، «الإعراب فی جدول الإعراب» و «لمع الأثر» ابوالبرکات ابن انباری، این گونه نشان می‌دهد که علم نحو در قرن چهارم، به طرف تفکرات منطقی و کلاسی کشیده شده و نحویون، راه و روش خود را گم کرده‌اند که در قرن ششم نیز محققانی وجود داشتند که علم نحو را شاخه‌ای از علم کلام یا منطق یا اصول فقه می‌دانستند.

به دنبال این انحراف و ورود مباحث مشکل و پیچیده به این علم، آموزش زبان را دشوار و هدف را تغییر داد. لازمه‌ی رهایی از این پیچیدگی‌ها این بود که در این مسائل، تجدید نظری صورت گرفته و کسانی پا به عرصه‌ی ظهور بگذارند که بر علیه این مباحث اعتراضاتی داشته و اصلاحاتی انجام دهند، که می‌بینیم نخستین بانگ اعتراض از اندلس، توسط ابن مضاء قرطبی، با تدوین کتابی تحت

عنوان الرّد علی النّحاة» به گوش رسید که در آن، با نصیحت کردن این نحویان، آنها را دعوت به ابطال مباحث حاشیه‌ای و غیرضروری کرده و تسهیل موضوعات را خواستار شد. تلاش‌های ابن مضاء در راستای حذف قواعد سخت و مبهم و علت‌هایی که ساخته‌ی ذهن نحویان بود انجام شد، ولی نتوانست کاری از پیش برد، اما بعدها نوگرایانی آمدند که با ارائه‌ی نظرات جدید وردّ برخی موضوعات و مطالب نحوی قدیم، کتاب‌هایی در این زمینه تألیف نمودند که در واقع احیاگر نظرات وی شدند.

در سده‌ی ششم هجری ابن مضاء قرطبی در کتاب ارزشمند «الرّد علی النّحاة»، بصورت علنی خواستار کنار گذاشتن بدعت‌های بوجود آمده در نحو عربی گردید، ولی توفیق چندانی نیافت. تا اینکه در سده‌ی شانزدهم هجری، ابراهیم مصطفی استاد دانشگاه قاهره، با هدف اصلاح در نحو، به تألیف کتاب «احیاء النّحو» پرداخت. نحویان دیگر نیز؛ از جمله شوقی ضیف در کتاب «تجدید النّحو» و مهدی مخزومی در کتاب «قضایا نحویّه»، اقدام به ترمیم و آسان‌سازی مباحث نحو عربی نمودند.

هدف این افراد از آنچه مطرح کردند، زدودن موضوعات حاشیه‌ای و ایجاد سهولت در امر آموزش و یادگیری این علم بود. آنها بیشتر از زاویه‌ی تساهل به این علم نگرسته و معتقد بودند که نیازی به مطرح کردن علل و تعلیل در مباحث آن نیست و علت و قیاس را ساختگی دانسته و عنوان کردند، این متکلام است که عامل بروز إعراب نصب و جرّ و رفع در جمله است، نه عواملی که نحویان مطرح

ساخته و متوسل به ذکر علت‌های فلسفی و منطقی می‌شوند؛ بدین معنی که این حرکات، از کلام عرب‌ها به ما رسیده و به تبعیت از سبک و سیاق آن، حرکات اعرابی در زبان و گفتار رعایت می‌شود و هیچ عامل فلسفی یا منطقی دیگری وجود ندارد که نحویان به آن پرداخته و آنها را در باب‌های گسترده مطرح می‌کنند و تقدیر و تأویل و عوامل لفظی و معنوی و امثال آن، همگی از ابداعات نحویان قدیم و مکاتب نحوی بصره و کوفه می‌باشد که در نهایت، منجر به پیچیده شدن این علم گشته است.

این نوآندیشان، حالت‌های آخر کلمات را مانند اوایل آنها، بسیار ساده انگاشته و بر این عقیده بودند که هیچ مشکلی در فهم آن نبوده و نیازی به تأویل و تفسیر نیست و متوسل شدن به قیاسات فرضی و خیالی یا وهمی، کاری ناصحیح می‌باشد. نظرات نوگرایان برخلاف نحویان پیشین، بیشتر بر مبنای سهولت و آسانی در مباحث نحوی بود و آنها فروعیات و حواشی نحو، نیز تعداد آراء و تبصره‌ها و استثنائات و پیچیدگی موضوعات آن را نمی‌پسندیدند. اهل تجدید، تصورات نحویان را باطل و نادرست شمرده و برخلاف آنچه آنها در کتابهایشان حول محور آن چرخیده‌اند، بر این باورند که همه‌ی این علل و عوامل و مباحث مطرح شده توسط آنها، تنها ظواهر نحوی کلمات و اعراب آن را تشکیل داده و از فروعیات این علم محسوب می‌شوند، که پرداختن به آنها کاری بیهوده و باطل است؛ لذا ابراز می‌دارند، نظریه‌هایی که کتاب‌های نحوی را تحت الشعاع قرار داده

است، باعث ایجاد فساد و دشواری‌هایی در نحو شده و یادگیری و فهم آن را مشکل کرده است که باید از دایره‌ی این علم خارج گردند.

با این همه، این رجال و دانش‌وران نوآور علم نحو، دچار نامهربانی‌ها و کم‌لطفی‌هایی هم شده و در مواقعی نیز به ترفیقاتی دست نیافتند، که نمونه‌ی بارز آن ابن مضاء قرطبی و بعد از او، ابراهیم مصطفی؛ اسیاگر نظریه‌ی ابن مضاء بود، با این بیان که وی قواعد تازه‌ای در کتاب «احیاء النحو» به وزارت فرهنگ مصر تقدیم کرد و با اینکه پیشنهادهای او با تأیید ادیبان زبان و فرهنگستان قاهره برای اجرا به مدارس داخلی و خارجی ابلاغ گردید، اما به خاطر مقابله‌ی شدیدی که با آن شد به مرحله‌ی اجرا در نیامد، ولی باز افراد دیگری با ارائه‌ی مقالات و کتابهایی، شجاعانه در برابر اضافات نحوی - به زعم ایشان - قد علم کرده و ایستادگی نمودند و در پی ردّ این مسائل، اصول و قواعد جدیدی که سخت بدانها پایبند بودند، عنوان داشتند؛ که از جمله شوقی ضیف با پیش رو قرار دادن رأی و اندیشه‌های پیشینیان تجدیدگرا و تأثیر پذیری از آراء نوگرایانه‌ی آنان، نظرات مهم و اساسی خود را در چهار اصل به فرهنگستان زبان عربی تسلیم نمود که به تصویب آن فرهنگستان نیز رسید؛ سپس با افزودن دو اصل دیگر، آنها را در کتاب «تجدید النحو»، در ذیل شش اصل آورد.

در این کتاب برآنیم که آراء و نظرات نوآوران در این عرصه را مورد ارزیابی قرار دهیم؛ به دیگر سخن می‌خواهیم بررسی کنیم که نحویان تواندیش و اصلاح طلب، در جهت اصلاح مسائل و قواعد غیر ضرور و حاشیه‌ای، نیز در جهت

تسهیل آموزش این قواعد، چه کارهایی انجام داده و چقدر رآتی داشته‌اند و اصولاً به کدام مباحث و قواعد نحوی اشکال وارد کرده، یا آن را اصلاح نموده‌اند و تا چه حد موفق بوده‌اند.

مباحثی که ما در پی آن هستیم، در کتاب‌هایی همچون: «الرّد علی النحاة»، «احیاء الذّحو»، «تجدیدالذّحو»، «قضایا نحویّه» و برخی کتب دیگر به آن اشاره شده است، ولی ما در پی تحلیل این مطالب هستیم. تا آنجا که سراغ دارم، تحلیل آراء و اندیشه‌های نوگرایان در نحو تاکنون صورت نگرفته و کمتر به این مباحث پرداخته شده است، لذا استخراج و بیان مصادیق نوگرایی در نحو عربی، شاید کاری جدید به حساب بیاید که پرداختن به آنها خالی از لطف نمی‌باشد.

بدیهی است که پیراستن نحو از اضافات و حواشی غیرضرور و استدلال‌های منطقی به تیسیر این علم منجر خواهد شد. لذا از آن جا که در عصر حاضر، در ادب و محافل، بررسی ابعاد و دیدگاه‌های مختلف درباره‌ی تجدیدگرایی و نوآوری گاه و بی‌گاه مطرح است و با توجه به ثقیل بودن مباحث نحوی و پیچیدگی آن، بحث‌هایی درباره‌ی اصلاح و بازنگری در شیوه‌ی آموزش و تدوین مجدد موضوعات این علم عنوان می‌شود و با توجه به این که یک منبع تحقیقی جامع و کاملی در این زمینه وجود ندارد، لهذا ضرورت انجام این کار و پرداختن به این موضوعات و نقد و بررسی این دیدگاه‌ها، احساس می‌شد. لکن این پژوهش می‌تواند به عنوان یک منبع مطالعاتی، برای پیرایش نحو از اضافات غیرضروری زمینه ساز بوده و با بیان دیدگاه‌های اصلاح‌گرایان، مسیر را برای

آسان سازی و از بین بردن مشکلات یادگیری آن، تا حد امکان، در آینده هموار سازد و امید آن که بتواند خلئی را در آموزش این علم پر کند.

این پژوهش در نظر دارد که با بیان اندیشه‌های متجددین و منتقدان به نحو قدیم و ایده‌های آنان و با دستیابی به آراء انتقادی منتقدانی چون: ابن مضاء قرطبی، ابراهیم مصطفی، مهدی مخزومی، شوقی ضیف و سایرین و تبیین اندیشه‌های آنها و جنبه‌های آن؛ از قبیل حذف یا تسهیل برخی موضوعات نحوی، مطالب جدیدی را ارائه دهد که برای نوآموزان نحو بتواند جالب و مفید فایده باشد.

در این نوشتار، با توجه به بضاعت اندک خویش، سعی بر آن گشته است که با بهره‌گیری از کتب ارزشمند نحوی که در این راستا بوده و به این موضوعات اشاره کرده‌اند، موضوع اصلاح نحو و آرا و افکار صاحبانش، به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد.

این کتاب با وجود مشکلات فراوان، ناشی از کمبود مآخذ و منابع و نوشته‌های محققانه و عمیق به زبان فارسی - بویژه در زمینه‌ی بررسی آراء نوگرایان در نحو عربی - و عدم کثرت و تعدد شخصیت‌های معترض و گسترده نبودن این آراء و نظرات، دشواری گام نهادن در عرصه‌ای را که عملاً مسبوق به سابقه نبوده و تاکنون به تفصیل و بطور واضح مطرح و به آن پرداخته نشده است، باعث شد؛ تا جایی که حتی واژه‌گزینی و عبارت‌پردازی را بعضاً، با سختی مواجه می‌ساخت. از این حیث و در ارتباط با بحث حاضر، در جهت روان سازی عبارات و سلیس بودن جملات، حتی در گزینش واژه‌ها و نگارش عبارت‌هایی

که برگردان از عربی به فارسی می‌باشد، بارها پردازش صورت گرفته است، ولی با وجود این، بی‌شک این نوشته، از سهو و نسیان و نیز خطا و نقصان به دور نبوده؛ لذا تنها می‌توان امیدوار بود که با تذکرات و راهنمایی‌های بخردانه‌ی بعدی، ایرادهای آن تا حدتوان مرتفع گردد.

بهزاد ساسانی اسکویی

www.ketab.ir